این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

گناه، ریشه گره‌های کار و زندگی

آیت‌الله حاج‌آقا مجتبی تهرانی(ره): یک سنخ ابتلائات مؤمنان در این عالم، آثار گناهان آنهاست. گره‌هایی که در کار و زندگی‌شان ایجاد می‌شود، از همین ناحیه است. اگرچه ممکن است خودش هم نفهمد یا یادش نیاید که چه کرده است. البته خوش به حال کسی که علت آن را متوجه بشود. این همه در روایات داشتیم که خوشا به حال کسی که در صحیفه عملش در قیامت هر جا که معصیتی دید، ذیلش یک استغفار ببیند. استغفار و توبه، بزرگ‌ترین فک و قطع رابطه است. اصلاً معنای توبه قطع رابطه با گناه است. من قبلاً بحث توبه را کرده‌ام؛ توبه، یعنی قطع رابطه با گناه؛ گناه همان مخلوق کثیف خودم است و به من می‌چسبد و من هم از آن رنج می‌برم. اثر وضعی در زندگی دنیایی من دارد و گره‌ها برای من درست می‌کند. خدا این گره‌ها را فقط برای مؤمنان ایجاد می‌کند. من اینها را در بحث‌های امتحان گفتم که این گره ایجاد کردن‌ها، لطف خداست برای اینکه متنبه شود و قطع رابطه کند.

منبع: کانال تلگرامی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله حاج‌آقا مجتبی تهرانی(ره)

جامعه اسلامی، جامعه بره‌ها نیست

یک کانال خبری برشی از کتاب «بایدها و نبایدها» اثر شهید آیت‌الله بهشتی را منتشر کرده است که برای جامعه امروزی ما هم کاربرد دارد:

طبق روایت امام جعفر صادق(ع) خدا توده‌ها را به کیفر گناه زبده‌ها مشمول عقاب و کیفر خویش نمی‌کند، اما چه وقت؟ وقتی که زبده‌ها فقط گناهان شخصی سری داشته باشند؛ گناهانی داشته باشند سری که آثارش به خارج سرایت نمی‌کند، بلکه فقط یک تخلف شخصی سری است، اما وقتی زبده‌ها آشکارا مرتکب کارهای ناپسند شوند و توده درصدد جلوگیری از این زبده‌ها برنیاید، هر دو مستحق کیفر خدای عزوجل خواهند بود. این حدیث ناظر به مسئولیت توده‌ها برای نگهداری زبده‌ها در راه خیر و صلاح است و از آن حدیث‌هاست که باید زمینه اصلی یک بخش عمده از مسائل مربوط به نظام اداری و اجتماعی و اصلاح کار قرار می‌گیرد... آقایی کار خلافی می‌کند و فردی عامی به او می‌گوید آقا، این کار شما خلاف است؛ چرا کردی؟ پاسخ می‌شنود: «برو! عالم را با جاهل بحثی نیست.» بنده خدا هم سرش را زیر می‌اندازد و می‌رود. امیر مرتکب خلافی می‌شود؛ یک فرد عادی به او می‌گوید آقا، چرا این خلاف را کردی؟ پاسخ می‌شنود: «پس انضباط اجتماعی کجا رفته! به من می‌گویند مافوق و به تو می‌گویند مادون. مادون را با مافوق بحثی نیست!» برو بابا با آن علمت ای عالم! برو بابای رئیس و مافوق با آن انضباط تشکیلاتی‌ات! برو کشکت را بساب! اینها به درد اسلام نمی‌خورد. به تو می‌گویند عالم، نمی‌گویند معصوم؛ به تو می‌گویند مافوق، نمی‌گویند معصوم.

هیچ زیربنای اجتماعی از آن زیربنای شوم خطرناک‌تر نیست که انسان، یا انسان‌هایی بتوانند هر چه می‌خواهند بکنند، بی آنکه بشود بر آنها خرده گرفت و بی آنکه بشود از آنها بازخواست کرد. مسئولیت در جامعه اسلامی مسئولیت متقابل است. همه نسبت به یکدیگر مسئولند. «کُلّکُم راعٍ و کلّکم مسئولٌ عَن رعیة». جامعه اسلامی جامعه هوشیارها و زبان‌دارهاست. جامعه اسلامی جامعه مردم فضول است؛ نه از آن فضولی‌های بیجا و نه زبان‌دار؛ به این معنا که بره نیست. جامعه بره‌ها نیست؛ جامعه آدم‌هاست. آدمی که انتقاد می‌کند و در کار همه دقت می‌کند، اما به خاطر چی؟ به خاطر پاسداری از محترم‌ترین چیزها: حق و عدل. حق و عدل از همه کس محترم‌تر است؛ پاسداری از آیین حق و آیین عدل، فضیلت و عدالت و حق‌پرستی و خداپرستی، نورانیت و روشنی، مبارزه با ظلمت و حمایت از نور. این حدیث را اول به گوش کسانی بخوانید که انتظار دارند آنچه می‌کنند کسی بر آنها خرده نگیرد. بعد به گوش مردم عوام، یعنی توده‌ها که خیال می‌کنند فقط برای اطاعت، بارکشی، باربری و فرمانبری آفریده شده‌اند، بخوانید. انسان‌ها فرمان می‌برند، اما از فرمانده‌ای که برای دیگران حق انتقاد نسبت به خود را محفوظ می‌داند. فرمان می‌برند، ولی با حفظ حق انتقاد؛ با حفظ حق رسیدگی و پرسش.

چرخ اقتصاد و چرخ سانتریفیوژها با هم به هوا رفتند!

زهرا محسنی‌فر با انتشار تصویری پیرامون صدور قطعنامه اخیر آژانس علیه ایران نوشت: گفت به مذاکره خوشبین نیستم، گفتند باید واقع‌بین بود. گفت کشور را معطل مذاکره نکنید، گفتند در انزوا نمی‌توان به توسعه رسید. گفت زیر دستکش مخملی دست چدنی دارند، گفتند اوباما انسان مؤدبی است. گفت باید قوی شویم و این زبانی است که دنیا می‌فهمد، گفتند ما خودمان زبان دنیا را بلدیم. گفت به ظرفیت‌های داخلی توجه کنید، گفتند خزانه خالی است. گفت اقتصاد مقاومتی تنها راه نجات ماست، گفتند توانمندی ما در حد آفتابه و آبگوشت بزپاش است! گفت، گام‌ها را متوازن تعریف کنید و تا آنها اقدام جدید نکرده‌اند، تعهدات را ادامه ندهید، گفتند نمی‌شود! گفت خرشان که از پل بگذرد، به ریشتان می‌خندند، گفتند امضای کری تضمین است. گفت قدم زدن با شیطان کار اشتباهی بود، گفتند برای تضمین منافع ملت با هر کسی مذاکره می‌کنیم. گفت خطوط قرمز را رعایت کنید، گفتند مسئولیت مذاکره با ماست. گفت اگر برجام را پاره کنند، ما آتش می‌زنیم، گفتند مگر معاهدات بین‌المللی جای منقل بازی است؟! گفت به اروپا دل نبندید که سگ زرد برادر شغال است، گفتند با اروپا امریکا را منزوی می‌کنیم! گفت اینستکس بهانه است و آبی از آن گرم نمی‌شود، گفتند با FATF بهانه را از آنها می‌گیریم. گفتنی‌ها را گفت و نشنیدند و سرشان که به سنگ خورد، گفتند برجام تصمیم نظام بوده و بدون اذن او هیچ اقدامی انجام نداده‌ایم! امروز ما مانده‌ایم و قطعنامه‌هایی که در حال بازگشتند و چرخ اقتصاد و چرخ سانتریفیوژها که هر دو با هم هوا رفته‌اند.

رسول سعادت‌نیا | ایرنا

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به قطعنامه جدید آژانس انرژی اتمی علیه ایران

بازگشتیم به آن عقب عقب‌ها!

بعد از هفت سال انتظار برای به ثمر نشستن برجام یا استفاده از شکاف میان اروپا و امریکا سرانجام شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با پیشقدمی سه عضو اروپایی برجام یعنی انگلیس، آلمان و فرانسه قطعنامه‌ای علیه ایران صادر کرد. کاربران شبکه‌های اجتماعی این قطعنامه را پایانی بر راه باطل اعتماد به اروپا و امریکا دانستند و از دولتی‌ها برای معطل نگه داشتن کشور به مدت هفت سال انتقاد کردند. آنها شعارهای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری را بازخوانی کردند و وعده روحانی در سال ۱۳۹۶ مبنی بر عدم بازگشت به عقب و انتقاد او به رئیسی برای بلد نبودن زبان مذاکرات بین‌المللی را به یادش آوردند. در ادامه مروری داریم به برخی از این واکنش‌ها.

هادی محمدی:
جمهوری اسلامی ایران در یک سال گذشته برای ۳۳ مکان غیرهسته‌ای خود به آژانس دسترسی داده است، اما درخواست بازرسی از دو مکان اخیر نه برمبنای مدارک آژانس که براساس ادعاهای رژیم صهیونیستی بوده است. قبول چنین درخواستی باعث باز شدن یک رویه غلط و خطرناک برای آینده خواهد شد.

جلیل محبی:
آژانس اتمی قطعنامه انگلیس، فرانسه و آلمان علیه ایران را تصویب کرد. به هفت سال قبل بازگشتیم. بدون قلب راکتور. بدون ذخایر اورانیوم. با دلار ۱۹ هزار تومنی. زنده‌باد مذاکره؛ زنده‌باد روحانی!

سیده‌زکیه صدرهاشمی:
نتیجه دل بستن به نقطه‌های امیدبخش حقیقی می‌شود سامانه بومی سوم خرداد که سال گذشته در چنین روزی پرنده ابرجاسوس امریکایی را بعد از تجاوز به حریم هوایی ایران شکار می‌کند و باعث ریختن بال و پر ابرقدرت پوشالی و سقوط وجهه دروغینش در جهان می‌شود و نتیجه دل بستن به نقطه‌های خیالی می‌شود صدور قطعنامه ضدایرانی شورای حکام و از بین رفتن به اصطلاح آخرین دستاورد برجام که دیپلمات‌های زبان جهانِ بلد کشورمان که در قبالش تمام دستاوردهای هسته‌ای را به باد داده بودند، پز آن را می‌دادند. دولت «به عقب بازنمی‌گردیم» روحانی نیز بعد از تحمیل خسارت محض برجام به بهانه رفع تحریم‌ها و قطعنامه‌ها به‌طور کامل به دوران «قطعنامه کاغذ پاره است» احمدی‌نژاد برمی‌گردد و با بیان «قطعنامه شورای حکام الزام‌آور نیست» به صدور قطعنامه حکام علیه کشورمان واکنش نشان می‌دهد.

رسول شکری‌نیا:
نتیجه اعتماد به غرب و وحی منزل دانستن برجام، غیر از هفت سال معطل گذاشتن کشور، بازگشت تحریم‌های ظالمانه، تعطیلی مراکز هسته‌ای، تورم و ویرانی اقتصاد، شهادت سردار سلیمانی و... بود که تفکر غرب‌زده بر ملت ایران تحمیل کرد. امروز هم که با اقدام جدید آژانس و اروپایی‌ها به اول خط برگشتیم!

دانش‌طلب:
فقط دو کشور به قطعنامه آژانس رأی منفی داده‌اند: روسیه و چین. آخرش هم برای دولت اصلاح‌طلب‌ها همان دو دوستی ماند که مثل کودکان لجوج شعار مرگ بهشان می‌دادند. امریکای دمکرات و جمهوری‌خواه هر دو در کاسه‌شان گذاشتند و اروپا هم برایشان قطعنامه نوشت؛ نخبه‌های باسوادی که زبان دنیا را بلدند!

علی نادری:
یک دور باطل و بی‌ثمر؛ از ترس قطعنامه هشت سال شدیدترین فشارها را برای مردمت بخری و امتیاز بدهی و در پایان هشت سال، با قطعنامه بدرقه‌ات کنند! عجب تاریخی بشود، تاریخ فریدونی!

احمد کارآمد:
وقتی می‌گفتیم اروپا شریک دزد و سگ زرد برادر شغاله می‌گفتند، نگاه کنید اینستکس برقرار شده، شما دلواپسید و کاسب تحریم! حالا چه جور آب و صابون بیاریم روتون رو بشوریم؟

علی خضریان:
تصویب قطعنامه شورای حکام انرژی اتمی علیه ایران واقعیت عریان غرب است که جریان غربگرا هفت سال از عمر کشور را با تحریف آن در اذهان اجتماعی هدر داد. امروز باید ضمن توجه به این واقعیت تلخ و درس گرفتن از آن، به سرعت ریل کشور را برای جبران مافات از مسیر منطق مقاومت به جلو برد.

رضا سراج:
تصویب قطعنامه ضدایرانی سه کشور اروپایی عضو برجام در آژانس اتمی و تکرار آن در موضوع تحریم تسلیحاتی طی ماه‌های آینده به منزله بازگشت به شرایط حقوقی و سیاسی سال ۹۲ و ریل‌گذاری برای مذاکره مجدد است. این یعنی معطل ماندن هفت ساله یک کشور و یک ملت برای یک ایده غلط و نفوذپذیری مجدد!

آمنه سادات ذبیح‌پور:
قطعنامه سه کشور اروپایی علیه ایران بار دیگر اثبات کرد سگ زرد برادر شغال است. از تاریخ درس نگیریم، محکوم به تکرار آن هستیم.

گزارش

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به مرگ قاضی منصوری

حمله به نظام با کلیدواژه «اگر می‌آمد نام چه کسانی را فاش می‌کرد؟!»

خبر مرگ یا شاید هم خودکشی قاضی غلامرضا منصوری موجی از تعجب و گمانه‌زنی‌ها را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت. هرچند عناصر ضدانقلاب تلاش داشتند در این مرگ جمهوری اسلامی و قوه‌قضائیه را متهم کنند، اما کاربران شبکه‌های اجتماعی با اشاره به آنکه منصوری مهره‌ای دسته چندم در پرونده طبری بود، خاطر نشان کردند که اگر قوه بنایش بر حذف طبری بود، اصلاً از ابتدا نام او را مطرح نمی‌کرد. در ادامه بخشی از این واکنش‌ها را می‌خوانید.

عبدالله گنجی:
با مرگ قاضی منصوری کلیشه‌های تثبیت شده و آماده انگشت خود را به سمت نظام نشانه رفتند و البته جز این توقعی نباید داشت، اما حذف فیزیکی ایشان (اگر خودکشی نکرده باشد) چه آورده‌ای برای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد؟ قطعاً هیچ! زیرا جز شبهه و تحلیل‌های ناروا آورده‌ای ندارد. جز محاکمه هر مسیر دیگری نفعی برای نظام در افکار عمومی نداشت. چه کسی اولین بار رسماً و علناً اعلام کرد ما در دستگاه قضایی چنین قاضی فاسدی داشته‌ایم؟ و ایران و جهان از آن مطلع شدند؟ خود نظام جمهوری اسلامی. چه کسی پیگیر آمدنش از رومانی از طریق اینترپل شد؟ جمهوری اسلامی. حال سؤال این است که فرضاً اگر نظام می‌خواست وی حذف شود چه لزومی داشت رسماً هزینه فساد یک قاضی شناخته شده را با علنی کردن آن بپردازد؟ اگر چنین قصدی بود، نمی‌توانست بدون اینکه نامی از وی به میان بیاورد و کسی متوجه جرم وی شود او را حذف کند؟ و هیچ هزینه‌ای نپردازد؟ البته باید اینترپل که وی رسماً تحویل آن بوده و پلیس رومانی پاسخگو باشند و باید قدری صبر کرد.

علی قلهکی:
مرگ غلامرضا منصوری برای ایران و قوه‌قضائیه هیچ سودی ندارد؛ طرف‌های دُم کلفت فساد باند طبری و خودش در مشت سیستم قضایی هستند. مرگ این فرد فقط و فقط می‌خواهد هزینه مبارزه با فساد در فقره کله‌گنده‌ها را بسیار بالا ببرد تا هم نظام و هم رئیسی دیگر هزینه مبارزه با فساد را ندهند.

سلمانه:
پروژه‌ای که در ماجرای مرگ مشکوک قاضی منصوری توسط ضدانقلاب کلید خورده، این است که کشته شدن وی به اسم نظام فاکتور شود تا بدین وسیله نشان بدهند فساد سیستماتیک در کشور امری نهادینه است و این خبر را به جامعه القا کنند که از اصلاح خبری نیست؛ متهم کردن ایران به تروریسم دولتی گام بعدی است!

علیرضا گرائی:
با توجه به نفوذی که گروهک منافقین در کشور رومانی داره هیچ بعید نیست ماجرای از پنجره هتل به بیرون پرت شدن قاضی غلامرضا منصوری سناریویی برای حمله به سران جمهوری اسلامی با کلید واژه «اگر می‌آمد نام چه کسانی را فاش می‌کرد» باشه. به هوش باشیم هر چند برای اظهارنظر خیلی زوده.

نرگس رئیسی:
پرونده غلامرضا منصوری به عنوان متهم ردیف ۹ نه سنگین بود، نه پیچیده، شاید چند سال حبس برای رشوه می‌گرفت. حذف منصوری نقشه منافقین برای ضربه زدن به راهی است که قوه‌قضائیه برای شروع با مفسدان آغاز کرده است. مسئولان رومانی باید پاسخگو این افتضاح امنیتی باشند.

علامه محمدتقی جعفری و دکتر علی شریعتی

کانال رسمی مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری(ره) در تلگرام با استناد به صفحه ۴۳۲ و ۴۳۳ کتاب «جاودان اندیشه» در خصوص نظر علامه جعفری درباره دکتر علی شریعتی نوشت:

دکتر علی شریعتی با علامه محمدتقی جعفری آشنایی نزدیک داشت و به ایشان ارادت می‌ورزید. پدر وی، مرحوم محمدتقی شریعتی، قبل از فرزند، به حلقه دوستان علامه جعفری بود و با ایشان مراودت داشت. نقل شده است که وی از استاد جعفری درخواست می‌کند که نسبت به فرزندشان دکتر شریعتی التفات بورزند و از حیث علمی در جلسات خصوصی او را تعلیم فرمایند که مورد پذیرش مرحوم جعفری واقع گردید و ایشان نیز مدتی دکتر شریعتی را در حلقه تدریس و گفت‌وگوی علمی خصوصی خود پذیرا شدند که متأسفانه به دلیل حضور و مداخله برخی عناصر مشکوک و ناسالم در اطراف وی (مرحوم علی شریعتی)، این جلسات قطع می‌شود. استاد جعفری همواره از قضاوت له یا علیه دکتر شریعتی اجتناب می‌ورزید و در پاسخ به مراجعانی که برای نفی وی و اعلام کتبی عدم صلاحیت طرح مباحث دینی به ایشان شده بودند، با ذکر مثالی از شیوه تحلیل انتقادی خود در قبال مثنوی معنوی چنین تأکید می‌فرمودند: «به جای نفی و طرد مطلق، بیایید و آثار دکتر شریعتی را نقادانه تفکیک کنید و با تحلیل منصفانه، نکات قوت و ضعف آنها به آیه مبارکه فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه، عمل کنید و با این اقدام عادلانه، جامعه را به خیر و صلاح، راهنمایی و ارشاد کنید.»

مرحوم علامه جعفری نقل می‌کردند: «عده‌ای در زمان حیات مرحوم دکتر شریعتی نزد اینجانب آمده، از من خواستند تا مقام علمی و فلسفی ایشان را ارزیابی کرده و صریحاً بنویسم که ایشان حق اظهارنظر در مقدار قابل توجهی از مسائلی را که مطرح کنند، ندارند. در پاسخ آنها گفتم: من از شما یک سؤال دارم. با پاسخی که خواهید داد، تکلیف پیشنهاد شما روشن می‌شود. می‌دانید که مثنوی مولوی، مطمح انظار صاحب‌نظرانی بوده است که در میان آنان، هم موافق و هم مخالف وجود داشت و این کتاب یکی از طوفانی‌ترین کتاب‌ها از دیدگاه موافقان و مخالفان بوده است. اینجانب هنگامی که تصمیم به تفسیر و نقد و تحلیل این کتاب گرفتم، با خداوند سبحان راز و نیاز نموده، عرض کردم: پروردگارا! لطف و عنایت فرما تا در «تفسیر و نقد و تحلیل» این کتاب شگفت‌انگیز، دچار بدداوری نشوم و آنچه را که خوب و قابل استفاده جامعه است، از آنچه صحیح نیست و افکار جامعه از آن آسیب خواهد دید، از یکدیگر تفکیک کنم و هر دو نوع را با دلیل مناسب تذکر دهم تا دردی بر دردهای جامعه نیفزایم. شما آقایان عزیز! بیایید سخنان عمده آقای دکتر علی شریعتی را جمع‌آوری کرده و تفکیک را درباره آنها انجام دهید تا هم مشمول عنایت خداوندی شوید که به آیه مبارکه فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه، عمل کردید و هم جامعه نه‌تنها از شما می‌پذیرد، بلکه با این اقدام عادلانه، جامعه، ارشاد و اندرزی حیاتبخش در قلمرو دین و علم و معرفت از شما می‌گیرد، اما متأسفانه این کار را نکردند.»

آیا واقعاً مهم است که تا چه زمانی نفت داریم؟

مهدی ناجی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در کانال تلگرامی توسعه نوشت:

مدت‌ها تصور می‌شد منابع نفتی محدود و در افق زمانی میان‌مدت تمام شدنی است و طبعاً هر چه زمان می‌گذرد، ارزش واقعی آن بیشتر می‌شود. بنابراین کشورهای نفت‌خیزی مثل ایران بهتر است در استخراج نفت عجله نکنند. توجیه دیگر هم این بود که منابع زیرزمینی یک ثروت بین نسلی هستند و ما حق نداریم آنها را بیش از حد (سهم نسل خودمان) استخراج کنیم. در واقع برای مدت‌ها مسئله اصلی تحلیلگران بازار انرژی «پیک عرضه نفت» بود و اینکه چه زمانی عرضه نفت به اوج خودش می‌رسد و از آن پس کم‌تر و کم‌تر می‌شود و محدودیت آن بر اقتصاد کشورها فشار می‌آورد، اما پیشرفت تکنولوژی (بهره‌وری تولید)، ظهور انرژی‌های تجدیدپذیر و حتی کشف ذخائر مختلف و متنوع‌تر نفت و گاز به ما نشان داد این باور غلط است. آنچه در این میدان اهمیت دارد «پیک تقاضای نفت» است، نه عرضه آن. به عبارت دیگر خیلی زودتر از آنکه عرضه نفت در جهان محدود شود، تقاضا برای آن فروکش خواهد کرد و آنجاست که روزی برسد که ما نفتی در زیر زمین داشته باشیم که خواهانی ندارد! بنابراین مسئله این نیست که تا چه زمان نفت داریم. مسئله اصلی این است که تا چه زمان نفت ما خریدار دارد. به نظر می‌رسد به اندازه کافی متوجه این موضوع مهم نیستیم و داریم این فرصت خدادادی و ارزشمند را به سرعت از دست می‌دهیم.

اگر توضیحاتی که در بالا آمد را بپذیریم، می‌بینیم که نفت یک دارایی ارزشمند است که به نظر می‌رسد ارزش واقعی آن در طول زمان در حال کاهش است. در این شرایط استراتژی درست برای استخراج چه باید باشد؟ طبیعی است که در چنین شرایطی باید همه ظرفیت خود را معطوف به استخراج حداکثری نفت و تبدیل آن به یک دارایی ارزشمند دیگر بکنیم. در این صورت می‌توانیم قبل از آن که نفت بی‌ارزش یا کم‌ارزش شود آن را بفروشیم و از کاهش ارزش آن جلوگیری کنیم و با سرمایه‌گذاری منابع حاصل از فروش نفت به منابع جدیدی دست یابیم. در این صورت نه‌تنها نسل حاضر به خوبی از منافع آن بهره‌مند می‌شود، بلکه می‌توانیم سهم نسل‌های آتی را هم بپردازیم!

البته واضح است که اینجا یک «اگر» بزرگ وجود دارد: اگر سیاستمداران و سیاستگذاران فعلی طمع نکنند و به بهانه‌های مختلف (افزایش حقوق کارمندان دولت، افزایش انواع یارانه‌ها و...) به جای سرمایه‌گذاری بلندمدت به عواید حاصل از استخراج نفت دستبرد نزنند! به هر حال تا بیش از این دیر نشده باید برای این «اگر» (که به کیفیت حکمرانی ما برمی‌گردد) هم فکری بکنیم!

اول اینکه اگر ما با استخراج حداکثری نفت تلاش می‌کردیم سهم بیشتری در بازار نفت داشته باشیم، هزینه تحریم برای امریکا بسیار بیشتر بود. فراموش نکنیم که رئیس جمهور امریکا طبق قانون داخلی این کشور موظف است تنها تا جایی با ابزار تحریم به ایران فشار بیاورد که عرضه نفت در بازار جهانی با مشکل روبه‌رو نشود و متأسفانه می‌بینیم که در این زمینه موفق هم بوده است. هر چند تقریباً ایران از بازار نفت کنار گذاشته شده، همچنان عرضه نفت بر تقاضا مسلط است. در حالی که اگر ایران سهم بیشتری از این بازار را در دست داشت (و البته مانند عربستان سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در خارج از کشور انجام داده بود!) دیگر تحریم ایران به این سادگی نبود.

دوم اینکه اگر استخراج و فروش نفت ایران در انحصار دولت نبود، تحریم‌ها نمی‌توانست تا این اندازه اثربخش باشد. به عبارت دیگر قبل از تحریم اگر به بخش خصوصی به اندازه کافی میدان داده می‌شد تا مسیرها و مقاصد فروش نفت را متنوع کند، تحریم‌ها فروش نفت ایران را قفل نمی‌کرد. حتی بعد از تحریم هم اعتماد و ورود بخش خصوصی می‌تواند در دور زدن تحریم‌ها بسیار راهگشا باشد، اما ظاهراً عدم اعتماد تاریخی به بخش خصوصی که هنوز در ذهن برخی تداعی‌کننده چپاول و غارت ثروت ملی است، از یک سو و این باور باطل که نفت در آینده ارزشمندتر خواهد شد از سوی دیگر، موانع جدی در برابر این تصمیم حیاتی حاکمیت است.